

نگاهی بر هنر نساجی ایران



تاریخ پارچه و نساجی در ایران

فریده طالب‌پور

دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۶

استفاده از پارچه به دلیل محافظت از بدن و میل به زیبایی، همواره یکی از نیازهای اساسی انسان در زندگی بوده است. با مطالعه‌ی پیشینه‌ی پارچه‌بافی در ایران، درمی‌یابیم که ایرانیان با اصول پارچه‌بافی آشنا بودند و به تولید و صدور پارچه‌های زیبا و نفیس می‌پرداختند. کتاب «تاریخ پارچه و نساجی در ایران» به شرح و بررسی صنعت نساجی ایران از ابتدای پیدایش تا به امروز می‌پردازد. این کتاب در ده فصل نگاشته شده است. نگارنده ابتدا نگاهی به تحول و تکامل ریسندگی و بافندگی، در دوره‌های مختلف دارد و سپس پس از مقدمه‌ای کوتاه، به بیان تاریخچه‌ی پارچه‌بافی و معرفی نقش‌های رایج هر دوره و نیز مراکز تولید و انواع پارچه‌ها می‌پردازد. از مزایای کتاب توصیفات دقیق نویسنده از نمونه پارچه‌های باقی مانده و شرح کامل سیر تکامل پارچه‌بافی در ایران است. همچنین به منظور آشنایی و شناخت بیشتر علاقه‌مندان با صنعت نساجی در پایان کتاب، واژه‌نامه انواع پارچه‌ها و تصاویر پوشاک رایج در هر یک از دوره‌های تاریخی ارائه شده است.



تصویر ۱: جام سیمین مرودشت

مقدمه

انسان از ابتدای زندگی بر روی کره زمین، پس از تأمین نیازهای اولیه خود مانند آب، غذا و مسکن، در اندیشه‌ی فراهم کردن پوششی مناسب برای مقابله با تغییرات آب و هوایی بوده است. در گذشته، انسان‌ها با استفاده از امکانات اولیه موجود، مانند برگ درختان و پوست حیوانات پوشاک خود را تهیه می‌کردند. با آغاز زندگی اجتماعی انسان و رشد فرهنگ و تمدن بشر در جوامع مختلف، استفاده از پوشاک در جوامع مختلف مفهومی گسترده‌تر یافت.

بافت قالی و مفروش نمودن کاخ‌ها و تالارها از گذشته‌های بسیار دور، یکی از هنرهای ویژه‌ی ایرانیان بوده است.^۱ بافندگان ایرانی، با بهره‌گیری از موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی ایران و با به کارگیری شیوه‌های متنوع بافندگی، استفاده از جنس و تناسب مقیاس نقش‌ها با نوع طرح پارچه، نقش مهمی در پیشرفت و توسعه‌ی صنعت نساجی داشتند و در نتیجه مجاورت و همسایگی با نواحی آسیای مرکزی و بهره‌گیری از مواد خام اولیه مثل ابریشم، پنبه، پشم به پیشرفت و توسعه قابل ملاحظه‌ای دست یافته بودند.

تحول و تکامل در ریسندگی نخ و دستگاه‌های بافندگی

نگارنده در بخش نخست، پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه در

مورد تاریخچه‌ی استفاده از پوشاک، به موضوع تحول و تکامل ریسندگی و بافندگی می‌پردازد. وی معتقد است که انسان‌های نخستین با فنون ریسندگی آشنایی کامل داشتند و با استفاده از دوک‌های ساده و ابتدایی به تولید نخ می‌پرداختند. امروزه در دهکده‌هایی مانند «چشمه‌علی» در ری و تپه «پیزدلی» در آذربایجان نمونه‌ی دوک‌های دستی سوراخ‌دار یافت شده است. در هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد، استفاده از دوک‌های بلند رایج گردید. در منطقه «چغامیش» خوزستان نمونه‌ای از دوک‌های بلند به دست آمده است.^۲

مکانیزه شدن دستگاه‌های ریسندگی از سال ۱۵۵۵ میلادی با اختراع چرخ ریسندگی «ساکسونی» آغاز شد. این دستگاه قادر به تابیدن و پیچیدن هم‌زمان نخ بود.^۳ در سال ۱۷۷۰ میلادی نخستین ماشین ریسندگی خودکار ساخته شد و به این ترتیب چرخ‌های ریسندگی مکانیکی جایگزین چرخ‌های ریسندگی دستی شدند.^۴ نخستین تحول در فناوری دستگاه‌های بافندگی، توسط «جان کی» در سال ۱۷۳۳ میلادی ایجاد شد و در سال ۱۸۰۰ میلادی استفاده از دستگاه‌های بافندگی چدنی که با نیروی بخار کار می‌کردند، متداول شد و سرانجام در سال ۱۸۰۹ میلادی دستگاه بافندگی «ژاکارد» اختراع گردید. دستگاه «ژاکارد» قادر به تولید پارچه‌های طرح‌دار به صورت مکانیزه بود.^۵ مؤلف پس از بیان سیر

تکامل دستگاه‌های بافندگی به منظور آشنایی خوانندگان، ضمن معرفی دستگاه‌های مختلف بافندگی و شرح کار هر یک اشاره‌ای کوتاه نیز به تاریخچه‌ی رنگرزی و چاپ پارچه می‌نماید.

رنگرزی و چاپ پارچه

استفاده از رنگ در پارچه‌بافی قدمتی ۱۵ هزار ساله دارد. در استخوان‌های یافت شده از روزگاران پیشین و نقاشی‌های غارهای ماقبل تاریخ واقع در مرز اسپانیا و فرانسه، کاربرد رنگ در زندگی بشر دیده می‌شود.^۶ تاریخچه‌ی چاپ بر روی پارچه چندان دقیق و مشخص نیست. اساساً قلم‌کارسازی در قرن چهارم پیش از میلاد توسط هندیان اختراع شد. در آثار سفالی متعلق به دوره‌ی اشکانی و ساسانی قلم‌کارسازی در تزیین پارچه‌های پشمی، کتان و ابریشمی کاربرد ویژه‌ای داشته است.^۷ در دوره‌ی اسلامی نیز قلم‌کارسازی در ایران رایج بود. در این شیوه طراحان با استفاده از قالب‌های چوبی روی پارچه نقش می‌زدند. در دوره‌ی پادشاهی شاه‌عباس صفوی، تولید پارچه‌های قلم‌کار در اصفهان رواج بسیاری داشت.

از کاربردهای چاپ قلم‌کار می‌توان به پارچه‌های سفره، دستمال، رومیزی، سجاده و... اشاره کرد.^۸ با اختراع ماشین چاپ غلتکی و استفاده از غلتک‌های چوبی، عمل چاپ روی پارچه سرعت بیشتری یافت.^۹ نخستین ماشین چاپ در ایران در سال ۱۳۲۰ شمسی در کارخانه چیت‌سازی بهشت تأسیس شد و سپس به تدریج در سایر شهرها مراکز نساجی دیگری دایر گردید.

بخش دوم کتاب شامل پارچه‌بافی در ایران باستان و بیان نظریه‌های موجود درباره‌ی علل پیدایش پارچه و تن‌پوش است.

انتخاب پوشش مناسب برای محافظت از بدن در مقابل شرایط آب و هوایی، یکی از نیازهای اولیه‌ی انسان‌ها در طول تاریخ بوده است. نظریه‌های مختلفی در باب علل پیدایش پوشاک مطرح شده است که از میان آن‌ها می‌توان به عقیده‌ی جرج سارتن اشاره کرد. سارتن در کتاب «تاریخ علم» می‌گوید: «برای پوشانیدن تن و جلوگیری از آسیب گرما و سرما، یکی از راه‌حل‌ها پوشاندن بدن با پوست حیوانات یا با پوست و برگ درختان بود. پس از مدتی انسان با تاباندن الیاف و رشته‌های گیاهی به یکدیگر توانست نخستین بافته‌ها را به‌وجود آورد و روزی که این فکر ایجاد شد، اساس صنعت بافندگی پی‌ریزی گردید.»^{۱۰}

پارچه‌بافی در ایران باستان

ایرانیان از نخستین اقوامی بودند که در پیدایش و توسعه بافندگی

نقش اساسی داشتند. ساکنان ابتدایی ایران در دوره‌ی میان‌سنگی با فن پارچه‌بافی آشنا بودند. وجود آثاری مانند سفال‌ها، نگین و مهرهایی که قدمتی چندین هزار ساله دارند؛ دلالت بر این آشنایی می‌کند.^{۱۱} با توجه به مجسمه‌هایی که از ۴۲۰۰ سال پیش باقی مانده‌اند؛ می‌توان دریافت که مردم فلات ایران از پوست حیوانات به طور طبیعی استفاده نمی‌کردند، بلکه از پشم پارچه می‌بافتند و به صورت لنگ و بدون برش به دور کمر خود می‌بستند.^{۱۲}

در فصل سوم کتاب نگارنده به شرح و بررسی پارچه‌بافی در دوره ایلامی‌ها تا اواخر عصر اشکانی می‌پردازد. ایلامی‌ها ساکنان جنوب و جنوب‌غربی ایران بودند. با مطالعه و بررسی صنعت نساجی این دوره، می‌توان به کاربرد الیاف حیوانی و تولید پارچه‌های پشمی در میان اقوام ایلام پی برد.^{۱۳} مردان ایلامی از قبای بلندی که دارای آستین چاک‌داری بود، استفاده می‌کردند؛ کناره‌ی این چاک و لبه‌ی دامن حاشیه‌دوزی می‌شده، جامه‌ی بانوان ایلامی نیز درخور توجه است. نمونه‌ای از پوشاک بانوان ایلامی تصویر برجسته‌ای بر روی جام سیمین مرودشت،

با نقش برجسته‌ی دو زن (الهه) یکی ایستاده و دیگری نشسته است. تاریخ این شیء به ۲۳۰۰ قبل از میلاد می‌رسد^{۱۴} (تصویر ۱). حجاری دیگری که متعلق به این دوره است، بانویی را نشان می‌دهد که در حال نخ‌ریسی است و لباس بلندی با حاشیه منقش بر تن دارد.^{۱۵}



تصویر ۳: شاه هخامنشی در نگاره‌ی بیستون



تصویر ۲: زن مادی - گنجینه‌ی جیحون

پارچه‌بافی در دوره

مادها

پادشاهی دولت ماد بر ایران از سال ۷۰۸ ق.م آغاز شد و تا سال ۵۵۰ ق.م ادامه یافت. قوم ماد در نواحی آذربایجان، لرستان ری و اصفهان سکونت داشتند. از چگونگی و کیفیت پارچه‌بافی ایران در این دوره اطلاع چندان در دست نیست. اما از حجاری‌های تخت جمشید می‌توان دریافت که پارچه‌بافی در این دوره کاملاً رایج بوده است.^{۱۶} مادی‌ها در تولید پارچه‌های دستباف مهارت کافی داشتند و حتی پارچه‌ها را برش می‌دادند و می‌دوختند. با توجه به نقش برجسته‌های شهر نینوا که قوم ماد را در حال کوچ‌نشیندن اجباری نشان می‌دهد، می‌توان دریافت که لباس مادی با زندگی عشایری و کوچ‌نشینی مطابقت داشته است.^{۱۷} مجسمه‌های باقی‌مانده از این دوره در لرستان، مردانی را نشان می‌دهد که قطع پارچه چین‌دار بلندی به دور کمر خود پیچیده‌اند و کناره‌های این لباس‌ها با حاشیه‌های ساده‌ای تزیین شده است. جامه

بانوان مادی نیز همچون مردان مادی است. (تصویر ۲)

پارچه‌بافی در عصر هخامنشی (۵۵۹-۳۳۰ ق.م)

هخامنشیان به دلیل کشورگشایی‌های بسیار از حکومت‌های ثروتمند ایرانی بودند. پادشاهان هخامنشی به داشتن لباس‌های زیبا و باشکوه مشهور بودند. در این دوره لباس‌های مادی همچنان مورد توجه بود. تا آنجا که لباس هخامنشیان به لباس رایج در میان اقوام ماد تغییر یافت.^{۱۸} پارچه‌بافی در دوره‌ی هخامنشی از رونق فراوانی برخوردار بود، به‌ویژه در زمینه‌ی بافت پارچه‌های ابریشمی و پشمی. طرح و رنگ جامه تیراندازان هخامنشی که در موزه «لوور» فرانسه نگهداری می‌شوند، یکی از نمونه‌های بسیار زیبایی است که از این دوره باقی مانده است. این جامه‌ها نقش‌های مختلفی دارند. مانند مربع، مستطیل، ستاره هفت‌پر روی زمینه زرد و گل‌هایی به رنگ سبز و زرد روی زمینه سفید. (تصویر ۳)

پارچه‌بافی در دوره سلوکی (۲۸۰-۱۸۷ ق.م)

انقراض دولت هخامنشی که با حرکت اسکندر به سوی شرق و مرگ داریوش سوم اتفاق افتاد، موجب نفوذ هنر و تمدن یونانی در ایران شد.^{۱۹} و ایرانیان تحت‌تأثیر فرهنگ یونانی، شیوه زندگی خود را با آداب و رسوم یونانیان منطبق ساختند و به این ترتیب فرهنگ و هنر یونانی- ایرانی تحت تأثیر سلطه یونانیان بر ایران شکل گرفت. در این دوره به دلیل فراوانی مواد اولیه در ایران، صنایع مختلف توسعه بسیاری یافتند، به‌ویژه صنایعی مانند نساجی، قالی‌بافی و قلم‌زنی فلزات، در سنگ‌تراشی‌هایی که از مقبره «آنتیوکوس» در شمال آسیای صغیر به دست آمده است، پادشاه در کنار «میترا»، الهه آفتاب دیده می‌شود که کلاهی هخامنشی بر سر دارد و پیراهنی آستین بلند و دامنی گشاد بر تن.^{۲۰} (تصویر ۴)

پارچه و نساجی در دوره اشکانی (۲۵۰-۲۲۶ ق.م)

اشکانیان از سمت مشرق وارد ایران شدند و پس از براندازی دولت سلوکی، امپراطوری وسیعی را به‌وجود آوردند. پس از شکل‌گیری حکومت اشکانیان در ایران به تدریج فرهنگ



تصویر ۴: شاه سلوکی و میترا

و تمدن ایرانی بر فرهنگ و تمدن یونانی غلبه یافت. مطالعه و بررسی آثار باقی‌مانده از این دوره، بیان‌گر این نکته است که اشکانیان در طول پادشاهی خود، به تدریج نفوذ فرهنگ و هنر یونانی را محو کرده و ویژگی‌های هنر و تمدن هخامنشیان را احیا نمودند. پس از انقراض حکومت هخامنشی و تسلط اشکانیان، پارچه‌بافی در ایران به دلیل نفوذ تمدن یونانی و وجود روحیه‌ی جنگجویانه پادشاهان اشکانی پیشرفت چندانی نکرد. نقوش حکاکی شده بر روی استخوان‌هایی که در کاوش‌های باستان‌شناسان به دست آمده است، شکل لباس‌های رایج این دوره را به خوبی نشان می‌دهد. مثلاً در یکی از این استخوان‌ها مردی با موهای انبوه و پیراهن بلندی به چشم می‌خورد که یقه‌ی آن گرد است و در ناحیه‌ی جلوی گردن لباس، شکافی رو به پایین وجود دارد.^{۲۱} به طور کلی می‌توان گفت که اشکانیان مانند پیشینیان خود به لباس مادی ملبس بودند و برای تزیین حاشیه‌های جامه‌ها، از قلاب‌دوزی استفاده می‌کردند.^{۲۲} (تصویر ۵)

مؤلف در فصل چهارم به پارچه‌بافی در عصر ساسانیان می‌پردازد. نگارنده معتقد است که دوره‌ی

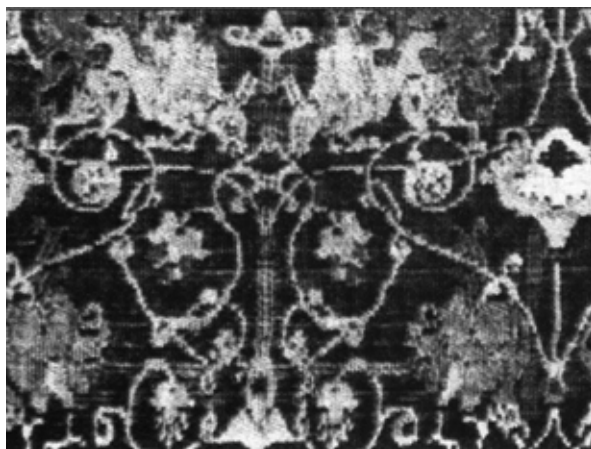
تصویر ۵: شاهزاده پارتی

ساسانی از حیث پارچه‌بافی و پوشاک از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است. فراوانی مواد اولیه و ایجاد کارگاه‌های بافندگی در شهرهای مختلف از جمله فارس و خوزستان از دلایل این امر است. وجود پارچه‌های طرح‌دار در این دوره، حکایت از وجود دستگاه‌های بافندگی با امکانات پیشرفته دارد.^{۲۳} از نقش‌های رایج پارچه‌بافی عصر ساسانی می‌توان به مجموعه‌ی دایره‌ها و اشکال هندسی و تصاویر پرندگان و سواران در حال شکار اشاره کرد. چهره‌ی حیوانات عجیب و خیالی مثل سیمرغ، نقوش درختان سیب و نارنج و برگ‌های پیچ در پیچ انواع گل‌ها از دیگر طرح‌های رایج این دوره است. از پارچه‌های این دوره گونه‌های مختلفی برجای مانده است. مانند پارچه‌ای که در موزه‌ی فلورانس است و نقشی از سیمرغ دارد. تنه‌ی این سیمرغ به شکل نیم‌تنه‌ی شیر طراحی شده است. رنگ پارچه زرد و آبی لاجوردی روشن بر روی زمینه‌ی لاجوردی تیره است. (تصویر ۶)





تصویر ۶: پارچه با نقش سیمرخ



تصویر ۷: لباس رهبانی، سده‌ی شانزدهم- هفدهم/ دهم- یازدهم

پارچه‌بافی در قرون اولیه اسلامی

بررسی صنعت نساجی دوره‌ی اسلامی از مباحث فصل پنجم کتاب است. هنر پارچه‌بافی ایران در اوایل دوره‌ی اسلامی همچنان در مقام نخست قرار داشت. با غلبه‌ی اعراب بر ایران دوره‌ی جدیدی در تاریخ صنعت ایران آغاز شد.^{۳۴} در این دوره فرهنگ ایرانی-اسلامی با ترکیب سنت‌های ایرانی و اسلامی، وارد مرحله‌ی تازه‌ای از تکامل خود شد. حکام اموی به شیوه‌ی ایرانیان لباس می‌پوشیدند. جامه‌ی اعراب شامل بلوز بلند بر روی شلوارهای گشاد بود که اغلب از پارچه‌های سبکی مثل ابریشم تهیه می‌شد. طرح لباس‌های این دوره تقلیدی از نقوش رایج دوره ساسانی است.^{۳۵} در اواخر قرن سوم هجری استفاده از خط عربی در تزیینات جامه‌ها رایج گردید.^{۳۶} پس از ورود اسلام به ایران رنگ پارچه‌ها نیز تغییراتی کرد. مثلاً فرقه‌های ملی و مذهبی از پارچه‌هایی به رنگ سفید، سرخ و سیاه استفاده می‌کردند.^{۳۷} تزیین پارچه‌ها در این دوره، شامل استفاده از حاشیه، نقطه، برگ‌های درختان و خطوط مختلف بود.^{۳۸} (تصویر ۷)

مراکز تولید پارچه در دوره اسلامی

نیشابور: تولید پارچه‌های نخی، ابریشمی^{۳۹}
بخارا و سمرقند: تولید پارچه‌های کتانی و پنبه‌ای، مخمل‌های ابریشمی^{۴۰}

شوشتر: تولید پارچه‌های زری معروف به دیبا^{۴۱}

طبرستان: بافت گلیم‌های ساده و پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای^{۴۲}

فصل ششم کتاب شامل نساجی در دو دوره حکومت آل‌بویه و سلجوقیان است. نگارنده پس از بیان مقدمه‌ای کوتاه درباره‌ی پارچه‌بافی این دو دوره، به معرفی نقش‌های رایج در بافت پارچه‌ها و مراکز تولید آن‌ها می‌پردازد.

پارچه بافی در دوره آل بویه (۳۲۰-۴۴۸ هـ.ق)

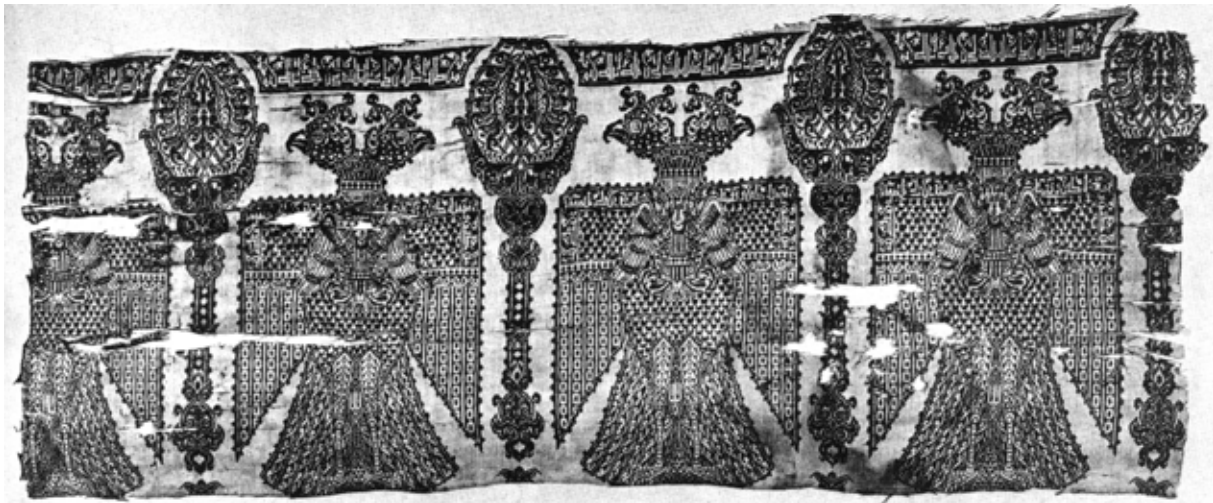
آل بویه از شیعیان اهل دیلم بودند که بر نواحی و غرب ایران حکومت می‌کردند. هنر پارچه بافی که به دلیل ورود اسلام و وجود دگرگونی‌های موجود در اداره کشور، از سیر طبیعی تکامل خود باز مانده بود، با آغاز حکومت آل بویه مجدداً احیا گردید.^{۳۳} پارچه بافی این دوره پیرو شیوه‌های بافت پارچه در عصر ساسانی بود. از پارچه‌های بافته شده در عصر آل بویه صد قطعه باقی مانده است. موضوعات این قطعه‌ها بسیار متنوع است. گاه به نوشته‌های ریز و ظریف و گاه به نقش‌های تمثیلی مانند عقاب‌های بال گشوده، طاووس‌ها یا موضوعات عاشقانه و شاعرانه بر می‌خوریم. قطعه پارچه‌ای که متعلق به این دوره است و در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، شامل عقاب‌های بزرگ دو سر با بال‌های گشوده است.^{۳۴} (تصویر ۸)

طراحی و موضوع قطعه این چنین است: عقاب‌های بزرگ دوسر قهوه‌ای رنگ مردی را با خود به آسمان می‌برند. در قسمت بالای سر پرندگان نوارهایی دیده می‌شود که با عبارت «من طلب اصله ذلی فعله» تزیین شده است. به طور یقین این پارچه‌ها برای کفن یا روپوش تابوت بزرگان به کار رفته است.^{۳۵}

پارچه بافی در دوره سلجوقی (۴۲۹-۷۰۰ هـ.ق)

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان غز بودند که در نواحی خراسان، شام، عراق و قسمتی از روم فرمانروایی می‌کردند.^{۳۶} حمله ترکان سلجوقی به ایران در صنعت نساجی ایران تأثیر فراوانی بر جای گذاشت.^{۳۷} صنایع مختلف از جمله صنعت نساجی پس از یک دوره رکورد، دوباره رونق گرفتند. از اواخر عصر ساسانی تا آغاز فرمانروایی سلجوقیان صنعت نساجی به دلیل درگیری ایرانیان با اعراب و وجود چند پارچگی در حکومت‌های گذشته پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشت.^{۳۸}

در حقیقت نهضت عمومی صنعت بافندگی در دوران فرمانروایی سلجوقیان آغاز شد. از دلایل این امر، می‌توان به تجلی غرور ملی



تصویر ۸: عقاب‌های بزرگ دو سر با بال‌های گشوده، پارچه‌ی ابریشم، سده‌ی شانزدهم/دهم

به خوبی آشکار است.^{۴۱} مغول‌ها، بافندگان و صنعت‌گران ایرانی را همراهی و به مرکز امپراطوری خود منتقل می‌کردند.^{۴۲} هم چنین در این دوره، روابط ایران و چین گسترش یافت و برخی از بافندگان ایرانی با حمایت امرای ایلخانی به چین مهاجرت کردند و به تولید پارچه‌های ابریشمی می‌پرداختند.^{۴۳}

از طریق متون تاریخی و ادبی و سفرنامه می‌توان پی به نقوش رایج در پارچه‌بافی این دوره برد. موضوعات به کار رفته در بافت پارچه‌ها در عصر ایلخانی شامل به کارگیری طرح‌های هندسی پیچیده، استفاده از توده‌های ابر به شکل مارپیچ‌های حلزونی شکل، موضوعات تزئینی گیاهی و کاربرد نقوش حیوانات افسانه‌ای شرق آسیا مثل اژدها است. نمونه‌های باقی مانده از پارچه‌های دوره‌ی ایلخانی بسیار اندک است. بخشی از این پارچه‌ها در موزه‌ی ملی ایران نگهداری می‌شود. از مراکز مهم بافت پارچه در دوره‌ی ایلخانی می‌توان به مراکز تبریز، مرو، بغداد، شیراز و نیشابور اشاره کرد. (تصویر ۱۰)

پارچه بافی در دوره تیموری (۷۷۱-۹۰۶ هـ.ق)

تیموریان از نژاد مغول‌ها بودند و دارای مرزهای پهناور در ایران که شامل آسیای میانه تا خراسان و ایران و عثمانی و بخش‌هایی از هندوستان می‌شد.

صنعت نساجی در دوره تیموری پیشرفت بسیاری کرد. تاثیر سبک چینیان در هنر ایرانی در این دوره نیز به چشم می‌خورد. با توجه به سفرنامه‌ها و تابلوهای نقاشی این دوره می‌توان به چگونگی طراحی پارچه‌ها پی برد.^{۴۴} از مهم‌ترین

که مدت‌ها دستخوش تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته بود اشاره کرد. هم چنین بهره‌گیری بافندگان ایرانی از سبک بافندگان چینی و آموزه‌های صنعت‌گران دوره‌های قبل از عوامل موثر در پیشرفت فعلی نساجی این دوره بود.^{۴۵}

یکی از ویژگی‌های مهم بافندگی در دوره‌ی سلجوقی، تقلید بافندگان از صحنه‌های شاعرانه و مناظر طبیعی از نقاشی‌های معاصر، بر روی پارچه‌ها بود. موضوعات رایج در طراحی پارچه‌های این دوره، همانند نقش‌های رایج در دوره‌ی ساسانی و اسلامی است. مانند به کارگیری طرح‌های اسلیمی و نقوش پیچیده گیاهی به همراه جانوران گوناگون و طراحی ستاره‌های هشت پر و چهارگوش. (تصویر ۹)

علاوه بر این، یکی از عناصر بسیار مهم در صنعت بافندگی این دوره، کاربرد خوشنویسی است که در تزئینات متون پارچه‌ها کاربرد بسیاری داشت.

پس از بررسی پارچه بافی دوره‌ی سلجوقی، در بخش

هفتم کتاب نساجی دوره ایلخانی و تیموری مورد

بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. از هنگام

حمله چنگیزخان مغول تا به قدرت

رسیدن ایلخانان در قرن هفتم

هجری، صنایع مختلف ایرانی در

رکورد کامل به سر می‌برد. پس

از شکل‌گیری حکومت ایلخانان

زمینه رشد و پیشرفت هنر و

فرهنگ ایرانی فراهم گردید.

^{۴۰} اگرچه مغولان منشاء ویرانی

و تباهی در ایران بودند، با وجود

این، نتایج مهمی در صنعت نساجی

ایران داشتند. تغییرات انجام شده در

طراحی پارچه و مینیاتورهای این دوره



تصویر ۹: دو فرشته با کتیبه‌ی کوفی



تصویر ۱۰: کاسه‌ی مینا، سده‌ی سیزدهم/ هفتم

به طور کلی می‌توان موضوعات به کار رفته در طراحی پارچه‌های عصر صفویه را به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

- استفاده از داستان‌های رزمی و بزمی در سروده‌های شاعرانی چون نظامی و فردوسی^{۴۸}

- به تصویر کشیدن انسان در مجلس بزم

و شکار

- کاربرد زری‌های نوشته‌دار در تزیین پارچه‌های

ابریشمی و زری

- به کارگیری خطوط نسخ و نستعلیق در بافت پارچه

- کاربرد طرح‌های انواع گل‌ها و اشکال حیوان و انسان^{۴۹}

شمار نمونه‌های باقی مانده از این دوره بسیار اندک است بخشی از این پارچه‌ها که از جمله هدایای شاه عباس به دربارهای اروپایی است، در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شود. مانند پارچه ابریشمی منسوب به دوره صفوی که در شهر رشت بافته شده و بالاپوش مقبره امام رضا(ع) در مشهد. اشکال تزیینی این پارچه شامل طرح شانه و گل‌های کوچک و دیگر نقوش تزیینی مرسوم آن دوره است.

مراکز تولید پارچه در دوره صفویه

در آغاز عصر صفویه، شهرهای تبریز، کاشان، یزد، اصفهان و خراسان در زمینه بافندگی از رونق بالایی بهره‌مند بودند. اغلب مراکز تولید پارچه‌های مخملی در ایران، در حوزه کویر مرکزی ایران و یزد قرار داشت. در این نواحی پارچه‌های ابریشمی برای استفاده خاندان‌های سلطنتی و عموم بافته می‌شد.^{۵۰} پارچه بافی در عصر قاجار از مباحث مهم فصل نهم کتاب است. در این بخش نگارنده به بیان وابستگی‌های شدید اقتصادی ایران به دولت‌های قدرتمند اروپایی و تحلیل صنعت نساجی این دوره می‌پردازد.

هنگامی که آقا محمدخان قاجار به پادشاهی رسید، دوران حکومت او مقارن با انقلاب کبیر فرانسه بود.^{۵۱} صنعت نساجی ایران، در این دوره در بدترین شرایط ممکن بود. زیرا به دلیل ورود

تزیینات دوره تیموری ترسیم اشکال گیاهی است. یکی از ویژگی‌های صنعت نساجی در این دوره، نزدیکی در به هنر نقاشی در پارچه بافی است. در حقیقت پارچه بافان دوره تیموری از طراحان و نقاشان ماهری بودند که بسیاری از موضوعات نقاشی و داستان‌های حماسی عاشقانه را هنرمندانه بر روی پارچه‌ها طراحی می‌کردند.^{۴۵} (تصویر ۱۱)

صنعت نساجی در عصر صفوی (۹۰۷-۱۱۴۸ هـ.ق)

فصل هشتم کتاب متعلق به پارچه بافی دوره صفویه است. صفویان بیش از ۲۰۰ سال در ایران حکومت کردند و آثار بسیار مهم و درخشانی در زمینه‌های مختلف، از جمله صنعت پارچه بافی بر جای گذاردند.^{۴۶} پادشاهان صفوی از صنعت بافندگی حمایت می‌کردند و خود از مصرف کنندگان اصلی جامه‌های دیبا و ابریشمی به شمار می‌رفتند. علاوه بر مصارف داخلی پارچه‌های تولید شده در ایران به اروپا و روسیه صادر می‌شد. نمایندگان شرکت‌های تجاری و صنعتی اروپایی در سفر به ایران به مطالعه و بررسی صنعت نساجی و چگونگی پوشاک ایرانیان می‌پرداختند و ضمن آموزش نظامی به ایرانیان، با کم‌ترین قیمت، ابریشم و سایر مواد خام مورد نیاز کارخانجات خود را از ایران به اروپا می‌بردند.

در عصر صفویه، نقش‌های ظریف اسلیمی پیشرفت فراوانی کردند. این طرح‌ها با همراهی نقش‌های گل و بوته و حیوانات، مناظر بدیعی در پارچه‌ها خلق کرده‌اند. توصیف مناظر شکار از موضوعاتی است که در طراحی پارچه‌های این دوره دیده می‌شود.^{۴۷} (تصویر ۱۲)

پارچه‌های تولیدی ایران در عصر قاجار شامل انواع پارچه‌های ابریشمی، پنبه‌ای، انواع شال‌ها و پارچه‌های زری می‌شود. ابریشم نیز که یکی از محصولات مهم و صادراتی کشور نیز به شمار می‌رفت.^{۵۴}

از مراکز مهم نساجی در دوره قاجار می‌توان به شهرهای کرمان، یزد، اصفهان، کاشان و رشت اشاره کرد. در این شهرها زری دوزی، شال بافی، قالی بافی و تولید انواع پارچه‌های ابریشمی و پشمی بسیار رایج بود.^{۵۵}

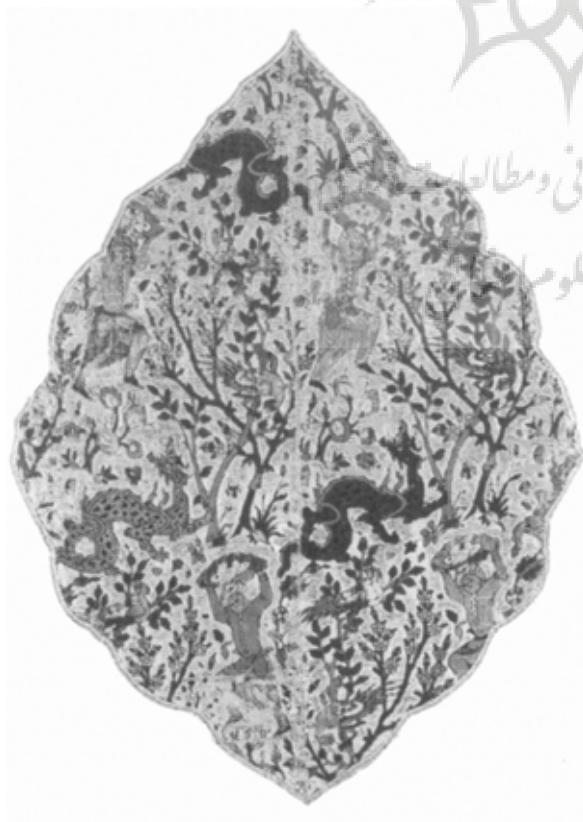
فصل نهم کتاب با اشاره نویسنده به علل تغییر پوشاک و ایجاد تحول در نوع پوشش زنان و مردان عصر قاجار پایان می‌یابد. بخش پایانی کتاب شامل شرح و بررسی پارچه بافی از آغاز دوره پهلوی تا به امروز می‌شود.

پس از سقوط دولت قاجار، به دلیل مهیا بودن شرایط مناسب برای احیای صنعت پارچه‌بافی در ایران، تولیدکنندگان پارچه، جذب بازار تولید شدند. تا پیش از سلطنت رضا شاه، در ایران چهار کارخانه نساجی وجود داشت. در دوره‌ی پهلوی کارخانه‌های متعدد نساجی در شهرهای مختلف ایران تاسیس شد. نکته‌ی مهم دیگر در بررسی پوشاک این دوره، تغییر در نوع پوشش مردم ایران است که عموماً جنبه‌ی دین زدایی داشت. اقداماتی مثل قانون «اتحاد البسه» برای مردان در سال ۱۳۰۱ شمسی و قانون «کشف حجاب» برای زنان در سال ۱۳۱۶ شمسی از جمله طرح‌های دولت رضا شاه برای رسیدن



تصویر ۱۱: ابریشم زربفت، اواخر سده‌ی پانزدهم / نهم

تصویر ۱۲: ابریشم زربفت، سده‌ی هفدهم / یازدهم



پارچه‌های خارجی به داخل کشور و عدم علاقه پادشاهان قاجار به رشد و توسعه صنایع داخلی، هیچ‌گونه تحول و جنبشی در زمینه‌ی پارچه‌بافی این دوره وجود نداشت. از سوی دیگر ماشین‌های بافندگی دستی ایرانی توانایی رقابت با دستگاه‌های بافندگی ماشینی اروپایی را نداشت، به همین دلیل استقبال داخلی از پارچه‌های کشورهای اروپایی بسیار زیاد بود.

اولین کارخانه ریسندگی ماشینی ایران، توسط ضیع الدوله در تهران تاسیس شد و سپس دو کارخانه دیگر در تبریز (۱۲۸۹ شمسی) و اصفهان (۱۲۹۴ شمسی) تاسیس گردید و با حمایت‌ها و اقدامات موثر امیرکبیر پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در صنایع داخلی کشور حاصل شد.

طرح و نقشه پارچه‌های قاجار

نقش‌هایی را که در پارچه‌های این دوره به کار رفته است می‌توان به نقوش گیاهان، حیوانات و نقوش هندسی طبقه‌بندی کرد. در دوره‌ی قاجار استفاده از عناصر گیاهی و هندسی اهمیت ویژه‌ای داشت و در تزئین پارچه‌ها به کار می‌رفت.^{۵۲}

نقوش رایج پارچه‌های این دوره، برگرفته از زندگی دربار بود. مانند تصویر پادشاه هنگام چوگان بازی یا شکار. نقاشی‌ها و تک چهره‌های به جا مانده از دوره قاجار، منبع بسیار مهمی در بررسی و شناخت انواع لباس‌ها و نقوش پارچه‌ها، به شمار می‌روند.^{۵۳} (تصویر ۱۳)



تصویر ۱۳: پرتروی حسین علی خان معایرالممالک

و به این ترتیب با ورود فناوری جدید به داخل کشور و توسعه ماشین آلات نساجی، ایران توانایی تولید انواع پارچه‌های فاستونی، رومبلی، چیت، پشمی، کتان و مخمل را به دست آورد.

نگاهی به صنعت نساجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با به کارگیری تکنیک‌های پیشرفته و متداول در سایر کشورها، صنعت نساجی ایران مثل توانایی فعالیت در زمینه صنایع دیگری تولید الیاف مصنوعی، فرش ماشینی و پارچه‌های کشباف را به دست آورد.

پس از شروع جنگ تحمیلی، به دلیل وجود محدودیت‌های وارداتی و شرایط ویژه‌ی پس از جنگ، تولید محصولات نساجی افزایش یافت. به تدریج با کاهش قدرت خرید مردم، تقاضا برای محصولات داخلی به شدت کاهش یافت، در نتیجه تاسیس کارخانجات جدید مدتی با وقفه مواجه شد. در این دوره برخی از محصولات داخلی توانایی رقابت با کالاهای خارجی را نداشتند و از طرفی شرایط مناسب برای صادرات محصولات داخلی وجود نداشت.

امروزه صنعت نساجی ایران نیاز به بررسی ابعاد مختلف دارد. عواملی مانند ماشین آلات، نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری باید مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. چرا که صنعت نساجی ایران قادر است با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، تمام نیازهای داخلی کشور را تامین کند.

مطالعه‌ی کتاب تاریخ پارچه و نساجی در ایران اطلاعات سودمندی درباره‌ی سیر پارچه‌بافی در دوره‌های مختلف تاریخی، به دست می‌دهد. همچنین با توصیفات نگارنده از نمونه پارچه‌های باقی مانده و پوشاک دوره‌های مختلف، خواننده درک بهتری از مطالب به دست می‌آورد.

پانویس‌ها:

- ۱- علی سامی. بافندگی و بافته‌های ایرانی از دوره کهن، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره خرداد و شهریور، ۱۳۴۹، ص ۱.
- ۲- محمدرضا ریاضی. طرح‌ها و نقوش لباس و بافته‌های ساسانی، تهران: گنجینه هنر، ۱۳۸۲، صص ۱۱-۱۲.
- ۳- سیدحسام‌الدین شریعت‌پناهی. اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۱۶.
- ۴- محمود کساییان و ابوالقاسم طاهری. اصول ریسندگی پنبه، تهران: چاپ رشدیه، ۱۳۵۸، صص ۳۲-۳۴.
- ۵- بهزادان هوشمند و شاهپور وزیردفتری. مکانیزم و تکنولوژی ماشین‌های بافندگی، جلد اول، تهران: مؤلفین، ۱۳۶۲، ص ۱۵.
- ۶- پوپ. شاهکارهای هنر ایران، ترجمه پرویز ناتل خانلری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۵.
- ۷- جی گلاک و سومی. هیراموتو گلاک، سیری در صنایع کهن ایران،

به این منظور بود.
با شروع جنگ جهانی دوم و اعلام بی‌طرفی ایران، صنعت نساجی بار دیگر به دلیل کاهش ورود کالاهای مختلف به داخل کشور به ویژه، لوازم ماشین آلات مختلف و مواد شیمیایی مورد نیاز در صنعت نساجی دچار رکود گردید. در نتیجه تقاضا برای منسوجات داخلی، در کشور افزایش یافت و با آغاز برنامه‌های عمرانی طرح‌های متعددی در راستای رونق بخشیدن به صنعت نساجی انجام شد.^{۵۶}
از قبیل:
- سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و دولتی در زمینه صنعت نساجی
- تاسیس رشته نساجی در دانشگاه و آموزش نیروی متخصص در این زمینه
- اعزام دانشجویان به خارج از کشور و استفاده از نیروی‌های متخصص خارجی

تهران: بانک ملی ایران، بی تا، ص ۱۸۵.

۸- همان، ص ۱۸۹.

۹- مرتضی سهمی‌زاده. فرآورده‌های چاپ در صنایع نساجی، تهران: صفار،

۱۳۷۲، ص ۱۲.

۱۰- جرج سارتن. تاریخ علم، ترجمه‌ی احمد آرام، ۱۳۴۶، ص ۵.

۱۱- زهره روح‌فر. نگاهی بر پارچه‌بافی در دوران اسلامی، تهران: سمت،

۱۳۸۰، ص ۲.

۱۲- جی گلاک. سیری در صنایع کهن ایران، پیشین، ص ۱۷.

۱۳- محمدرضا ریاضی. طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی، پیشین،

ص ۱۵.

۱۴- کاتالوگ نمایشگاه گزیده‌ای از آثار زرین و سیمین، موزه‌ی ملی، ۱۳۸۴،

ص ۱۷.

۱۵- همان، ص ۱۶.

۱۶- میرمحمد مشیرپور. تاریخ تحول لباس در ایران، مشهد: انتشارات زوار و

پسران، ۱۳۴۵، ص ۱۵.

۱۷- فرخ سعیدی. راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد، تهران:

سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶، ص ۴۰.

۱۸- میرمحمد مشیرپور. تاریخ تحول لباس در ایران، پیشین، ص ۲۰.

۱۹- هایدماری کخ. از زبان داریوش، ترجمه‌ی پرویز رجبی، تهران: نشر

کارنگ، ۱۳۷۹، ص ۲۴۴.

۲۰- مهدی بهشتی‌پور. تاریخچه صنعت نساجی ایران، جلد اول، تهران

اکونومیست، ۱۳۴۳، ص ۷۸.

۲۱- جلیل ضیاءپور. پوشاک باستانی ایران، تهران: سازمان هنرهای زیبای

کشور، ۱۳۴۳، ص ۱۲۴.

۲۲- میرمحمد مشیرپور. تاریخ تحول لباس در ایران، پیشین، ص ۶۶.

۲۳- محمدرضا ریاضی. طرح‌ها و نقوش لباس‌ها و بافته‌های ساسانی، پیشین،

ص ۴.

۲۴- فیلیس آکرمن. نساجی ایران - بافته‌های دوران اسلامی، ترجمه‌ی

زرین دخت صابرشیح، تهران: سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۶۱، ص ۹.

۲۵- باربارا برندن. هنر اسلامی، ترجمه‌ی مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه

مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۴۵.

۲۶- زهره روح‌فر. نگاهی بر پارچه‌بافی در دوران اسلامی، پیشین، ص ۵.

۲۷- مهدی بهشتی‌پور. تاریخچه صنعت نساجی ایران، پیشین، ص ۱۳۶.

۲۸- محمدحسن زکی. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه‌ی محمدعلی

خلیلی، تهران: نشر اقبال، ۱۳۶۶، ص ۲۲۹.

۲۹- گ. لسترنج. جغرافیای تاریخی، سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه‌ی

محمد عرفان، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷، ص ۴۵۲.

۳۰- راسخ حسن بیگی و رسولی. نساجی سنتی، تهران: سازمان صنایع دستی

ایران، ۱۳۶۱، ص ۱۳.

۳۱- همان، ص ۱۴.

۳۲- ابوبکر احمدبن اسحق همدانی ابن فقیه. البلدان، ترجمه‌ی جواد مسعود،

تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹، ص ۸۷.

۳۳- جی گلاک. سیری در صنایع کهن ایران، پیشین، ص ۱۷۷.

۳۴- احمد الوند. نساجی و پوشاک در دوره‌ی ساسانیان - صنعت نساجی ایران

از دیرباز تا امروز، تهران: دانشکده صنعتی پلی تکنیک تهران، ۱۳۵۵، ص ۱۱۳.

۳۵- پروین برزین. پارچه‌های قدیم ایران، هنر و مردم، شهریور ۱۳۴۶،

شماره‌ی ۵۹، ص ۴۱.

۳۶- ک.ا. بوسورت. سلسله‌های اسلامی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران:

بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۲.

۳۷- احمد الوند. نساجی و پوشاک در دوره‌ی ساسانیان - صنعت نساجی ایران

از دیرباز تا امروز، پیشین، ص ۱۱۳.

۳۸- همان، ص ۱۱۰.

۳۹- محمدحسن زکی. تاریخ صنایع ایران بعد از اسلام، پیشین، ص ۲۳۱.

۴۰- مهدی بهشتی‌پور. تاریخچه صنعت نساجی ایران، پیشین، ص ۱۴۷.

41- Komaroff, Linda and Stefano Carboni. The Legacy of Genghis Khan: Courtly Art and Culture in Western Asia, 1256-1353. The Metropolitan Muesum of Art, New York, 2002, p. 169.

42- Komaroff, Linda and Stefano Carboni, p. 65.

۴۳- مهدی بهشتی‌پور. تاریخچه صنعت نساجی ایران، پیشین، ص ۱۴۵.

۴۴- ردلیو فریه. هنرهای ایران، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران: فرزاد،

۱۳۷۴، ص ۱۶۳.

۴۵- زهره روح‌فر. نگاهی بر پارچه‌بافی در دوران اسلامی، پیشین، ص ۳۳.

۴۶- راجر سیوری. ایران عصر صفوی، ترجمه‌ی کامیاب عزیزی، تهران: نشر

مرکز، ۱۳۶۳، ص ۱۳۷.

۴۷- هادی هزاوه‌ای. فصلنامه هنر، شماره ۶، تابستان و پاییز ۱۳۶۳، ص

۹۹.

۴۸- ایرانشهر. جلد دوم، کمسیون ملی یونسکو، نشریه شماره ۲۲، ۱۳۴۳،

ص ۱۷۹۸.

۴۹- هنر و مردم. پارچه‌های قدیم ایران، شماره ۵۹، شهریور ۱۳۴۶، ص

۴۳.

۵۰- ردلیو فریه. هنرهای ایران، پیشین، ص ۱۵۹.

۵۱- سیدحسام‌الدین شریعت‌پناهی. اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، پیشین، ص

۷۷.

۵۲- ردلیو فریه. هنرهای ایران، پیشین، ص ۱۷.

۵۳- همان.

۵۴- سیدحسام‌الدین شریعت‌پناهی. اروپایی‌ها و لباس ایرانیان، پیشین، ص

۷۹.

۵۵- همان.

۵۶- صمد نعمت‌الهی. روش طراحی بافت پارچه، تهران: سروش، ۱۳۷۳،

صص ۲۷-۳۴.

از کاستی‌های کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم ارائه تصویر نمونه پارچه‌ها و پوشاک هر دوره، در متن کتاب، زمانی که درباره‌ی همان تصویر یا نوع پوشاک توضیح می‌دهد.

- عدم ذکر معادل انگلیسی و توضیح و تعریف نام برخی اشخاص و مکان‌ها در پاورقی مانند:

۱. فصل دوم: ص ۲۶: دو نام «پیر روسو» و «جرج سارتن»

۲. فصل سوم: ص ۳۶: نام «نایپر آسو» ملکه اسلام

۳. فصل چهارم: ص ۵۶: نام کلیسای «سنت اورسول» و موزه

«کلونی»